

۴ آوریل ۲۰۲۶ - ۱۳ فروردین ۱۴۰۵

جنگ بازنده ها

و جامعه ای که تاوانش را می پردازد!

مظفر محمدی

حمله نظامی امریکا و اسرائیل به ایران با هدف اولیه تغییر رژیم، "رژیم چینج"، در مدت زمان چند روزه و درالگوی ونزوئلا، زمانی به ناکامی انجامید، ترامپ اهداف دیگری از جمله "تسلیم بی قید و شرط جمهوری اسلامی" را مطرح کرد. این خواست هم به نتیجه نرسید و "سازش با عناصری "مطلوب" در درون رژیم" روی میز آمد. این بار باز تیر ترامپ به سنگ خورد و تهدیداتی از جمله "حمله زمینی به جزایری در خلیج فارس" و "تخریب زیر بنای انرژی برق و گاز و آب ایران" را پیش کشیده است.

هر اتفاقی بیفتد در ادامه این جنگ و تجاوز که تاوانش را مردم ایران و منطقه میپردازند، امریکا تا کنون بازنده و در باتلاق جنگ غرق شده است. شکست ترامپ در جنگ شکست نتانیاهو هم هست. نتانیاهو اهداف جنایتکارانه بیشتری هم دارد از جمله تبدیل ایران به غزه دیگر و فروپاشی و جنگ داخلی در ایران. اما باخت ترامپ تنها در جنگ نیست. استراتژی مهار چین و تامین امنیت کشورهای هم پیمان در خلیج "عربستان، امارات، کویت..." هم شکست خورده است. کشورهایی که قراردادهای تریلونی با آن ها بسته بود. به این ترتیب هژمونی و اتوریته ی امریکای ترامپ در منطقه برای دوستانش زیر سوال است و اعتماد به او به شدت تضعیف شده است.

جمهوری اسلامی هم میتواند بگوید، برای سقوط حکومت به ایران حمله شد ولی موفق نشدند و من دفاع کردم و برنده ام. منطقاً این میتواند حرف درستی باشد. چرا که این جنگ برای جمهوری اسلامی جنگ مرگ و زندگی است و همین که نظام سر پا بماند خود یک موفقیت است. اما میزان تلفات انسانی فقط در بخش حاکمیت سیاسی و نظامی و امنیتی و خسارت زیر ساخت های نظامی نشاندهنده ی پیروزی نیست. بعلاوه تخریب زیر ساخت های اقتصادی، خسارت جانی و مالی مردم، آوارگی و خانه خرابی میلیونی،



رسمیت قانونی "نظم اسرائیلی- فاشیستی"

کنست، مجلس قانون گذاری اسرائیل، روز دوشنبه ۳۰ مارس قانون مجازات اعدام و به دار آویختن فلسطینیان را با ۶۲ رای موافق در برابر ۴۸ رای مخالف تصویب کرد.

طبق این قانون، برای فلسطینیانی که در دادگاههای نظامی اسرائیل با انگیزه های موسوم به "تروریستی" محکوم شوند، مجازات اعدام یا حبس ابد در نظر گرفته می شود! این قانون چنان فاشیستی و نژادپرستانه است که صدای میدیای رسمی، متحدین و حامیان همیشگی دولت فاشیست اسرائیل در غرب و حتی "صهیونیست های لیبرال" را در آورد.

یورونیوز می نویسد: "به گزارش خبرنگار رادیو بین المللی فرانسه از بیت المقدس، انتخاب واژگان در این میان بی اهمیت نیست. در برابر افزایش خشونت شهرک نشینان اسرائیلی علیه فلسطینیان در کرانه باختری اشغالی، وارسن آقابکیان، وزیر امور خارجه فلسطین، در رابطه با این قانون می گوید: "این خشونت نیست، تروریسم است. اگر ما تنها بخش کوچکی از آنچه شهرک نشینان در سرزمین های اشغالی فلسطین انجام می دهند را انجام می دادیم، به عنوان تروریست با ما برخورد می شد!"

صفحه ۴

بیانیه شخصیت های سیاسی، کارگری و اجتماعی

قطع فوری و بدون قید و شرط جنگ

بیش از یکماه از حمله امریکا-اسرائیل به ایران میگذرد. هزاران نفر کشته، میلیونها آواره و نابودی بخشی از زیرساخت های اجتماعی جامعه، محصول این حملات و جنگی است که در جریان است.

تهدیدهای مدام مبنی بر گسترش حملات و بمباران زیر ساخت های اقتصادی و مراکز هسته ای، بالا نگاه داشتن سایه خطر نابودی کامل مهمترین شاهرگ های حیات اجتماعی و اقتصادی خطر

صفحه ۸

نوزادانی که مرده به دنیا آمدند

(از همپیمانی احزاب کردی تا کنگره آزادی ایران)

آسو سهامی

صفحه ۵

جنگ و "کنگره آزادی ایران" در لندن

صفحه ۷

سخنرانی ثریا شهابی در مراسم یادبود یینار محمد

صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری



تخریب بیمارستان ها و مدارس و خدمات درمانی، گسترش بیکاری در نتیجه ی تخریب و یا تعطیل بخش هایی از صنایع و مراکز کار، تشدید فقر و فلاکت در نتیجه ی جنگ... خسارت جمهوری اسلامی به حساب نمی آید. با این حساب این جنگ برنده ندارد.

قبل از آغاز این جنگ ویرانگر، اولویت مبرم ما مخالفان جنگ تلاش برای ممانعت از شروع جنگ و با شروع آن مبارزه برای برون رفت از باتلاق جنگ و بحرانی است که نتیجه ای جز فروپاشی شیرازه جامعه و خطر جنگ داخلی نداشته و ندارد.

امروزه می بینیم جنبش ضد جنگ در کشورهای مختلف جهان شکل گرفته است. شنبه گذشته میلیونها نفر در شهرهای آمریکا و اسرائیل و پایتخت ها و بیش از سیصد شهر کشورهای غربی و دیگر اقصی نقاط جهان علیه جنگ به خیابان ها آمدند. این نقطه امید بزرگی است. جنبش عظیم ضد جنگ بویژه در آمریکا و اسرائیل، تنها نیرویی است که میتواند جنگ را متوقف کند. نتانیاهو و ترامپ تحت فشار اقتصادی، گرانی نرخ انرژی و اعتراض عظیم نیروی ضد جنگ و حملات آن ها به ایران قرار دارند که نمی توانند به آن بی اعتنا باشند.

بشریت متمدن جهان خواهان پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ است. خواستی که میتواند به ویرانگری و کشتار جمعی مردم بیگناه در ایران و منطقه خاتمه دهد و از ایجاد فروپاشی و ناامنی و جنگ داخلی و سناریو سیاه در ایران جلوگیری کند. اما استیصال آمریکا از نتایج تا کنونی جنگ و ناکامی در رسیدن به اهداف خود، هنوز میتواند مخاطرات ویرانگرتر جنگ را بدنبال داشته باشد. تهدید ترامپ به نابودی نیروگاههای برق ایران اگر عملی شود، بزرگترین جنایت جنگی است که عواقب فاجعه باری برای مردم ایران خواهد داشت. در صورتی که بشریت متمدن جهان نتواند این فاجعه ی احتمالی را مهار کند، جامعه ی ما روزگار تاریک و سیاهی را تجربه خواهد کرد.

جامعه ایران امروز در یکی از پیچیدهترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد. جنگ جنایتکارانه، تا کنون شیرازه مدنیت و زندگی عادی و سلامت و امنیت جامعه ما را از هم پاشیده است. تبعات و ویرانگری و خسارت جانی و مالی جنگ بیشمار است. هزاران کشته و ده ها هزار زخمی و صدها هزار خانواده ی آواره تنها بخشی از مصائب این جنگ خانمانسوز است. صدها مدرسه و بیمارستان و دانشگاه آسیب دیدهاند. گزارش هایی از حمله به مخازن سوخت، پمپ بنزینها، بانکها و مراکز درمانی و امدادی و همچنین رستورانها، نانواییها و دیگر مراکز خدمات عمومی منتشر شده است. صنایع دارویی و زنجیره درمان، شرکت های داروسازی همچنین انبار دارو و شیر خشک در شهرک صنعتی بوعلی همدان بمباران شده اند. نرخ تورم و گرانی کالاها ی ضروری سرسام آور است.

سلامت و امنیت زندانیان زیر سایه جنگ یک فاجعه انسانی را نشان میدهد. طبق گزارش هایی که به بیرون رسیده، هزاران زندانی در قشاقویه در شرایطی فاجعهبار گرفتار شدهاند؛ کمبود غذا و آب، قطع ارتباط با خانوادهها و بیخبری مطلق از سرنوشتشان عملاً به حال خود رها شدهاند. زندانیان در زمان جنگ از آسیبپذیرترین بخش جامعه اند. زندانیانی که میبایست با آغاز جنگ همگی آزاد شوند.

بیش از یک ماه است مردم ایران در تاریکی طولانی ترین و گسترده ترین قطع اینترنت و ارتباطات جمعی بسر میبرند. همزمان با حملات خارجی، جمهوری اسلامی فضای امنیتی در شهرها را تشدید کرده و تا کنون صدها نفر را به اتهام تهیه ویدئوی خسارات جنگ بازداشت و برای ایجاد رعب در میان مردم تعدادی را هم اعدام کرده و سرنوشت ده ها هزار بازداشتی دی ماه هم معلوم نیست.

در روزهایی که ایران زیر سایه بمباران قرار دارد، خیابانها نیز به صحنه ای برای نمایش قدرت سیاسی بدل شدهاند. راهپیماییهای شبانه ی نیروهای سرکوب در محلهها، حضور تهدیدآمیز گروههای حکومتی در کوچهها، فریادها و شعارهایی که در تاریکی شب طنین می اندازند، تنها یک نمایش ایدئولوژیک نیستند. این اقدامات با هدف ایجاد رعب، القای حضور دائمی قدرت و شکستن احساس امنیت در میان مردم انجام میشوند. این نوع حضور خیابانی، بویژه در ساعات شب، نوعی جنگ روانی علیه جامعه است؛ تلاشی برای آنکه مردم در فضای اضطراب و نظارت دائمی زندگی کنند. همزمان با نمایش های تجمعات خیابانی و سینه زنی های مسخ شدگان، جولان نیروهای مسلح با لجستیک نظامی و ابزارهای سنگین کشتار، نشان از وحشت رژیم و یک حکومت نظامی اعلام نشده است.

تبعات جنگ علاوه بر ناامنی و خسارت عمومی جامعه، فشار کمرشکن مضاعفی بر طبقه کارگر وارد کرده است. سهم کارگران از "بمبهای رهاییبخش"، آنطور که اپوزیسیون تبهکار نامیده اند، مرگ، بیکاری و گرسنگی است.

کارگران بدون حفاظت، زیر بمباران هیچگونه امنیت جانی ندارند. تا کنون صدها کارگر کشته و زخمی شده اند. تعدادی از کارگران و کارمندان خدمات درمانی، آتش نشانی و خدمات اورژانس هم در میان مجروحان و جانباختگان جنگ هستند. کارگران پارس جنوبی "ویژه عسلویه" و فولاد مبارکه بر اثر بمباران جنگ و تخریب مراکز کارشان، بیکار و بدون درآمد برای تامین زندگی بخور و نمیر رها شده اند. هنوز آمار کشته شدگان این مراکز اعلام نشده است. در حملات به واحدهای تولیدی و همچنین خدماتی تنها در شهرک صنعتی اصفهان ۱۵ کارگر کشته و در حمله موشکی به کارخانه تولید شیشه ۱۲ کارگر زخمی شدند. کشته شدگان کارخانه نشاسته و گلوتن گندم (پایارد) نفته به ۱۱ نفر رسیده است. در حمله به شهرک صنعتی محمودآباد قم هفت کارگر کشته و ده نفر مجروح شدند. در کارخانه کاغذسازی ملایر سه کارگر کشته و تعدادی زخمی شدند... احتمال اینکه کارگران بیشتری در نتیجه حملات آمریکا و اسرائیل جان خود را از دست داده باشند بسیار زیاد است.

تولید در مراکز کار متزلزل شده است. کارگران بیکار وسیعی بدون درآمد و بدون پشتوانه رها شدهاند. شبکه ارتباط کارگران از هم گسسته است. فضای امنیتی در مراکز کار تشدید شده است. کارفرماها از فرصت استفاده کرده و دستمزد کارگران را نمی پردازند. کارگران شرکت های متعددی امثال شرکت های زیر مجموعه ی ذغال سنگ البرز شرقی سه ماه حقوق پایان سال را دریافت نکرده اند. یک فعال کارگری ساختمان میگوید با توقف پروژههای عمرانی، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کارگران این بخش بیکار شدهاند و بسیاری از کارگاهها تعطیل شدهاند. در شرایطی که خط فقر نسبی ۶۰ میلیون تومان به بالا است، تعیین دستمزد سالانه متوقف و جلسات کمیته مزد تعطیل شده است.

بیکاری، افزایش نرخ تورم، کمبود دارو و گرانی مواد غذایی، کم کردن بودجه خدماتی به نفع تامین تسلیحات جنگی، فقر را گسترده تر و حلقه ی برگردن طبقه کارگر و زحمتکشان تهیدست را تنگ تر کرده و عواقب مرگبار و فاجعه انسانی را بدنبال خواهد داشت. انسان هایی که منفعتی در شرایط جنگی ندارند اما هزینه هایش را می پردازند.

کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و بیکاران، هر روز با شکلی از جنگ زندگی می کنند. جنگی که در سفره های خالی، داروهای نایاب، اجاره های کمرشکن و در آینده ی نامعلوم و تاریک جریان دارد. رنجی که به فرسایش طبقاتی می انجامد.

فعالین کارگری و اجتماعی تلاش انسانی گسترده ای انجام میدهند تا مصائب جنگ را کاهش دهند. مراقبت های از همدیگر در مسایل معیشتی و امنیتی و همیاری و همبستگی انساندوستانه بخشی از این تلاش های انسانی در جامعه است. تلاش برای تخفیف رنج و مصیبت های وارده می رود تا به شبکه های اجتماعی پایدار و قدرتی سازمانیافته تبدیل شود. قدرتی که نه تنها بار سنگین جنگ را سبک میکند بلکه برای آینده ای که باید با دستان خود ساخته شود، بسیار مهم و حیاتی است.

تلاش های اجتماعی و انسانی مبارزین و فعالین و انساندوستان جامعه در شرایطی است که در زیر اتهامات و فشارها و آزارهای امنیتی قرار دارند. این در حالی است که بدلیل خیانت و خیانت اپوزیسیون بورژوازی مزدور و جنگ طلب با پروپاگاندا و تحریک و فریب بخش هایی از مردم بپاخاسته در دی ماه از طریق میدیای فاسد و تبهکار و وعده های "کمک در راه است" ترامپ، هزینه ی سنگینی پرداخت کردند. این خیانت مجرمانه مانع جدی بر سر راه ایجاد شبکه های اجتماعی و سازمانیابی توده ای و رهبری عملی و محلی صفوف مردم بوجود آورده است.

شال و کلاه رضا پهلوی برای ورود به ایران و عملکرد خبیثانه ی جناح های بورژوازی از پهلویست ها تا مجاهد و "کنگره آزادی" و "شورای مدیریت" و ناسیونالیست ها و قوم پرستان کرد، نمایش یک تحریک ضد مردمی و ضد اجتماعی سلطنت طلبی و جمهوریخواهی با شعار دمکراسی کاذب و فدرالیسم قومی برای تحمیق و فریب مردم و به بیراهه بردن اعتراض و مبارزه واقعی توده های بپاخاسته برای آزادی و برابری بوده است.

اپوزیسیون راست ارتجاعی و جنگ طلبان فقط یک نقطه کور میشناسند و آنهم "رهبری دوران گذار" است. این یک حقه بازی و کلاه برداری سخیف است. رهبری کدام دوران؟ اپوزیسیون تبهکار براندازی و فروپاشی رژیم را در نتیجه ی جنگ فرض گرفته است. یا بر این باور بزه کارانه است که مردم در پایان جنگ با



* سخنرانی ثریا شهابی در مراسم یادبود ینار محمد . لندن - ۲۹

مارس ۲۰۲۶

از طرف حزب حکمتیست خطر رسمی، اندوه عمیق و خشم خود را نسبت به ترور رفیق عزیزمان ینار محمد، ابراز میکنم .

ما این اقدام تروریستی و خشونت سیاسی را به شدت محکوم می‌کنیم .

بعلاوه برای من، فقدان ینار، از دست دادن دوست عزیز و هم سنگر نزدیکی هم هست. کسی که افتخار داشتیم در سال‌های گذشته و در مقاطع مختلف، از جمله در کاتادا، در کنار او شریک تلاش هایش باشیم و شجاعت و تعهدش را از نزدیک ببینم .

ینار هنگامی از ما گرفته شد، که نه تنها عراق و ایران، که سراسر منطقه و جهان، بیش از هر زمان دیگری به شجاعت، صدای انقلابی و سازش ناپذیر، و مبارزه خستگی ناپذیرش نیاز داشت .

ینار تنها یک رهبر مورد احترام در میان رفقایش در عراق نبود، بلکه چهره‌ای شناخته شده و تاثیرگذار در سراسر عراق، ایران، جهان عرب و جنبش‌های پیشرو جهانی به شمار می‌رفت. او در صف مقدم مبارزات برای حقوق زنان، علیه میلیتاریسم، جنک و جنایات گسترده‌ای ایستاده بود .

ترور او یک جنایت موردی نیست. این اقدام، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در خدمت منافع میلیتاریسم جهانی، تروریسم، چه از سوی دولت‌ها و چه بازیگران غیردولتی، و جنبش‌های راست افراطی است که همچنان منطقه و جهان را به سوی ویرانی و تخریب سوق می‌دهند. همان نیروهایی که جوامع انسانی را به میدان‌های جنک تبدیل کرده‌اند، ماشین‌های جنکی‌شان را روغن کاری میکنند و مجازات‌های جمعی و تخریب را "عادی سازی" می‌کنند. همگی این نیروها، دلایل کافی برای خاموش کردن صداهایی چون صدا های ینار دارند .

در عین حال، دولت‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرای ارتجاعی، که در ویرانه‌های جنک و اشغالگری پرورش یافته‌اند و به طور سیستماتیک ابتدایی‌ترین حقوق انسانی میلیون‌ها نفر، بخصوصی زنان را در کشورهایی مانند عراق، افغانستان و ایران سلب کرده‌اند، با هرآنچه که ینار آن را نمایندگی میکرد، دشمنی بنیادین دارند. آن‌ها هم دلایل کافی برای خاموش کردن صداهایی چون صدای ینار، دارند .

با فقدان او، ما نه تنها یک رفیق، بلکه یکی از صداهای پیشرو در مبارزه جهانی برای آزادی زنان، مخالفی متعهد علیه جنک و تحریم‌های اقتصادی که میلیون‌ها نفر را به فقر و گرسنگی محکوم می‌کند، و مبارزی فداکار در جنبش سوسیالیستی و کمونیستی را از دست داده‌ایم.

ینار از چهره‌های برجسته علیه جنک آمریکا در عراق بود و اگر زندگی‌اش چنین ناتمام قطع نمی‌شد، بی تردید امروز نیز در صف فعال‌ترین و مصمم‌ترین صداها علیه جنک کنونی، جنک کور و ویرانگر و فاجعه‌بار که از سوی ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران به راه افتاده است، قرار داشت و در برابر نسل‌کشی که دولت فاشیستی اسرائیل علیه مردم غزه و فلسطینیان به پیش می‌برد، می‌ایستاد .

میراث ینار عینی و ماندگار است. از ایجاد نخستین پناهگاه‌های امن برای زنانی که از خشونت می‌گریختند در عراق، تا فعالیت‌های بین‌المللی‌اش علیه جنک، اشغال و خشونت دولتی، از عراق تا فلسطین، و مبارزه بی‌وقفه‌اش علیه استثمار و بی‌عدالتی!

او نه فقط برای تفسیر جهان، بلکه برای تغییر آن مبارزه کرد. برای واژگون کردن نظامی مبتنی بر نابرابری، خشونت و ستم، و برای ساختن یک دنیای بهتر، بر پایه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی .

واقعی‌ترین راه برای گرمی‌داشتن او، تنها در کلمات خلاصه نمی‌شود، بلکه در عمل است: با تجدید تعهد به آرمان‌هایش، پاسداری از اصولی که برایشان ایستاد، و ادامه دادن جنبش‌هایی که در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشت .

یاد او، در مبارزات مان، در مقاومت‌هایمان و در هرگامی که به سوی جهانی آزادتر و عادلانه‌تر بر میداریم، همراه ما است .

زنده باد میراث ینار !

*این متن از انگلیسی به فارسی برگردانده شده است .

فرامین و فراخوان‌های اپوزیسیون مجرم به خیابان برمیگردند. در حالیکه جمهوری اسلامی بعد از جنگ جری تر و جنایتکارانه تر در مقابل مردم می‌ایستد.

اما ناکامی ترامپ و نتانیاهو در حمله و جنک جنایتکارانه‌شان، پایان کار رضا پهلوی "کارت سوخته ی سلطنت‌طلبان" و طرفداران جنک و هواداران رژیم چنچ از بالا در مقابل ما مخالفین جنک و خواهان انقلاب اجتماعی از پایین توده‌های کارگر و زحمتکش است. تمام جریاناتی که پشت ترامپ و نتانیاهو و "جنگ بشردوستانه" شان ایستادند شریک جرم جنایات جنکی علیه مردم هستند. این‌ها عملاً در مقابل مردم‌اند و باید توسط همین مردم پرونده شان بسته شود.

در شرایطی که شیرازه ی جامعه ی زخم خورده و آسیب دیده ی جنک از هم گسسته است، نفس سر پا شدن و کمر راست کردن مردم یک امر حیاتی است. کشتار هزاران نفر در روزهای دی ماه با دخالت و تحریکات خیانتکارانه ی پهلویست‌ها و میدیای کثیف شان و خانه خرابی و آوارگی و گسترش بیکاری و تشدید فقر و فلاکت را جز با یک جنبش اجتماعی و انساندوستانه و برابری طلبانه نمیتوان پشت سر گذاشت.

جامعه ی ما به بازسازی شبکه های اجتماعی از پایین و همبستگی جنبش طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی زحمتکشان، زنان، دانشجویان و فرهنگیان و جوانان برای کمر راست کردن از زیر بار ویرانگر جنک، نیاز دارد. تحرکی همبسته و پایدار لازم است تا هم اعتراض و مخالفت صریح و آشکار خود را با جنک و پروپاگانده و قبحانه و شرم آور "بمباران بشردوستانه" اعلام کند و همزمان علیه فقر و فلاکت و سرکوب رژیم تبهکار و برای آزادی و برابری و رفاه و امنیت صف خود را مستقل و فشرده و مستحکم نگه دارد.

یک شرط این تحول اجتماعی، مجزا و مستقل نگه داشتن صفوف مردم و جنبش های اجتماعی از اپوزیسیون بورژوازی و ارتجاعی است. باید خرابکاری و تبهکاری این دارو دسته که هوس کرده اند قدرت را از بالای سر مردم و به قیمت کشتار و خون جوانان بدست بیاورند را خنثی و طرد و رسوا کرد. رهایی جامعه ما در گرو سازماندهی قدرت از پایین توسط طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی برای آزادی و برابری است.

سپاه پاسداران و نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی که عملاً قدرت را قبضه کرده اند، از هم اکنون و بویژه در پایان جنک خود را فاتح جنک اعلام کرده و در مقابل مردم جسورتر و طلبکارانه خواهند ایستاد. اما این‌ها همانهایی هستند که در خیزش های اجتماعی مکرر سیلی خورده و در مقابل جنبش آزادی زن به زانو در آمدند. جامعه ی تجربه دیده ی ما میدانند چگونه نیروهای خود را سازمان دهد. اعتصاب و تجمع و اعتراض را تجربه کرده است. دریافته است که امروز بیشتر از هر زمانی به همبستگی و هماهنگی مبارزاتی و همسرنوشتی طبقاتی نیاز دارد. یاد گرفته که بیگدار به آب نزنند. فریب دشمنان در لباس دوست را نخورد. منتظر هیچ ناجی ای مافوق مردم و جامعه نباشد. جامعه ی مارگزیده ی ما از رهبران خودخوانده ی شکم سیر و بی مسئولیت و در کمین نشسته برای موج سواری و رسیدن به اهداف پلیدشان، متنفر و بیزار است.

کمونیست های طبقه کارگر و سوسیالیست های صفوف جنبش های اجتماعی زحمتکشان، زنان و دانشجویان و جوانان در این برهه ی تاریخ مسوولیت بزرگی بر عهده دارند. مسوولیت آگاهگری و خنثی سازی خیانت و خیانت جنک طلبان و بویژه سازماندهی و رهبری مبارزه ی عملی اجتماعی برای تغییر شرایط ناگواری که جنک و طرفدارانش به جامعه تحمیل کرده و تغییر توازن قوای اجتماعی به نفع خود برای رهایی از تبعیض و ستم و سرکوب و کسب آزادی و برابری و سعادت جامعه!

۱۳ فروردین ۱۴۰۵ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۶

رسمیت قانونی "نظم اسرائیلی- فاشیستی"

بر اساس آمار منتشر شده فقط در ماه ژانویه، ۴۶۰ حمله و در فوریه ۵۱۱ حمله شهرکنشینان ثبت شده است. طبق داده‌های سازمان ملل، دستکم ۹ فلسطینی در سال جاری میلادی توسط شهرکنشینان کشته شده‌اند. حملات، آتش زدن خانه‌ها و خودروها، غارت، قتل و حتی تجاوز جنسی... زیر حمایت ارتش اسرائیل، بویژه پس از حمله امریکا-اسرائیل به ایران رو به افزایش گذاشته است. وارسن آقابکیان در توضیح روش‌های مورد استفاده می‌گوید: "شهرکنشینان مسلح هستند؛ مسلح به باتوم، چوب، اسلحه کمری. آن‌ها به تفنگ‌های ام ۱۶ و کوکتل مولوتوف مجهز هستند... همه این‌ها برای ترساندن ما به‌صورت روزانه استفاده می‌شود. باید شهرکنشینان را خلع سلاح کرد." و موضوع خشونت شهرک نشینان "به‌ندرت در فضای عمومی اسرائیل مورد بحث قرار می‌گیرد."

این هیولای آدم کش افسار گسیخته که بی مهابا نسل کشی میکند، نوزاد و کوچک و بزرگ را می‌کشد، تخریب میکند، در جشن تصویب قانون اعدام قربانیان اشغالگری و جنایاتش در فلسطین اشغالی، بطری شامپاین باز میکند، نه تنها جنایاتش را انکار نمی‌کند یا بدنبال "توجیه" آن نیست که با دهان کجی به جهانی که از کثافات آن به فغان آمده است، پیشروی میکند، دولت "محترم" و "متمدن" و "عزیزدردانه" غرب است. عزیز دردانه ای که ارتکاب به هر جنایت و نسل کشی با مجوز "حق دفاع از خود" جزو حقوق ویژه اش است!

پشت این توحش و فاشیسم اما یک حقیقت آشکار نهفته است. تصویب این قانون، سند شکست تروریسم دولتی اسرائیل و آمریکا است و آخرین میخ بر تابوت تلاش دولت ها و سازمان ملل و قدرت های حاکم، در کنترل و مهار فاشیسم اسرائیل است! این واقعیت را صهیونیست "لیبرال" رام بن‌باراک، نماینده مخالف و معاون پیشین موساد، به کنست یادآوری کرده و خطاب به نمایندگان گفت: "ایا متوجه هستید که داشتن یک قانون متفاوت برای عرب‌ها در یهودیه و سامره و قانون متفاوت دیگری برای سایر شهروندانی که دولت اسرائیل در قبال آن‌ها مسئول است، چه پیامدی دارد؟"

تصویب این قانون فاشیستی بلافاصله موجی از اعتراضات مردمی، هم در اسرائیل و کرانه باختری و هم در سراسر جهان را بدنبال داشت. به محض انتشار این خبر صدها هزار نفر در سرتاسر دنیا علیه این فاشیسم عریان به خیابانها آمده و نفرت خود را از نژادپرستان حاکم در اسرائیل اعلام کردند. تظاهرات مخالفین این قانون در اسرائیل توسط نیروی سرکوب مورد تعرض قرار گرفتند. اعتراضاتی از جنس همان جنبش ضد فاشیستی که در آمریکا افسار ترامپ را گرفته است و گلوی او را می‌فشارد.

تلاش دولت های اروپایی برای "فاصله گرفتن" از موجود دست پرورده خودشان در اسرائیل، و اعلام "محکومیت" کردن های شان، تنها و تنها برای حفظ خود در مقابل موج فاشیسمی است که به رهبری اسرائیل بی مهابا پیشروی می‌کند و میتواند پس از اسرائیل و امریکا دامن اروپا را هم بگیرد.

دولت راست افراطی اسرائیل با تصویب این قانون "نظم اسرائیل - فاشیستی" خود را رسماً، نه تنها به مردم فلسطین که به جهانیان اعلام کرد! قوانین بین الملل، قانون اساسی خود اسرائیل، معاهدات جهانی و .. در سیر پیشروی این فاشیسم نوین، تماماً پوچ، خارج از موضوع و بی مصرف شده اند.

بشریت متمدنی که علیه جنگ افروزی های ترامپ و علیه نسل کشی اسرائیل به میدان آمده است، تازه اولین قدم های خود را بر میدارد! جنگ میان این بشریت آزادیخواه و قدرت های فاشیستی، سرکوبگر، علیه همه نیروهای ارتجاعی در سراسر جهان، که میتواند ورق را برگرداند و تازه اولین قدم های خود را برداشته است.

باید علیه این قانون و نظام فاشیستی اسرائیل، به این صف پیوست و هرچه بیشتر آن را تقویت کرد. دفاع از مردم فلسطین، دفاع از حرمت و زندگی و آزادی آنان و حل مسئله فلسطین پرچم این جنبش علیه این فاشیسم عریان است!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ آوریل ۲۰۲۶

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی) ، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما

است.

به این حزب پیوندید!

سایت های آثار رفیق اعظم کم گویان

آغاز به کار کرد.

آرشیو آثار سیاسی و تلاشهای نظری رفیق اعظم کم گویان در دو سایت "بیاد اعظم کم گویان" و سایت "بی خدایان" توسط رفیق کورش مدرسی تهیه و راه اندازی شده اند.

قطعا نقدهای تیز و عمیق اعظم به جهان امروز میتواند ابزاری در دست علاقمندان کمونیسم، مدافعین آزادی و رهایی زن، فعالین رهایی طبقه کارگر در جدالهای سیاسی باشد.

آدرس سایتها:

بیاد اعظم کم گویان:

<https://azam-kamguyan.koorosh-modaresi.com/>

بی خدایان:

<https://bikhodayan.koorosh-modaresi.com/>

حزب حکمتیست (خط رسمی)

نوزادانی که مرده به دنیا آمدند آسو سهامی

یک ماه از آغاز حمله آمریکا و اسرائیل به ایران می گذرد، بمباران و کشتار مردم بیگناه در ایران، توسط دولتهای فاشیست اسرائیل و آمریکا همچنان ادامه دارد و هر چه این دو دولت جنایتکار در رسیدن به اهداف خود ناکام می مانند بر شدت حملات افزوده می شود. اگر روزهای اول جنگ با حمله به مراکز نظامی و کشتن تعدادی از سران جمهوری اسلامی این خوشبینی را در اذهان عموم ایجاد کرده بود که تنها اهداف نظامی مورد حمله قرار می گیرند. اما حمله به مدرسه میناب در همان روز اول و سپس بیمارستان گاندی و روزهای بعد به دیگر مدارس و بیمارستانها، مراکز مسکونی و حتی آمبولانسها، دیگر حتی برای عقب مانده ترین بخشهای جامعه شبه ای ک باقی نگذاشته است که هدف آمریکا و اسرائیل نه دشمنی و سرنگونی جمهوری اسلامی (اگر چه خود بارها اعلام کرده اند که هدفشان سرنگونی نبوده) بلکه اهداف ارتجاعی دیگر در سطح جهانی و منطقه ای، به قیمت قتل عام مردم ایران و ویران کردن این کشور است. حملات پی در پی به مراکز تولیدی، کارخانجات، زیرساختهای نفت و گاز و اکنون حمله به مراکز داروسازی و تهدید به ازبین بردن زیرساخت انرژی و آب آشامیدنی حتی صدای طرفداران جنگ را در آمریکا و اسرائیل درآورده است که حمله به این مراکز مصداق جنایت جنگی است.

به دنبال اعتراضات دی ماه در ایران و بعد از سرکوب خونین این اعتراضات توسط رژیم جمهوری اسلامی، رسانه های جمهوری اسلامی همراه با دیگر رسانه های رسمی همچون صدای آمریکا، بی بی سی و ایران اینترنشنال و ... سعی کردند، یکی فضای استیصال و ناامیدی را بر جامعه حاکم کنند. تلاش کردند به مردم بقبولانند که سرنگونی رژیم در توان مردم نیست و بلکه راه نجات تنها با دخالت خارجی امکان پذیر است. در جریان این اعتراضات ترامپ و نتانیاهو فریاد می زدند که "کمک در راه است" و ما با کشتن سران حکومت زمینه را برای به خیابان آمدن مردم و سرنگونی رژیم آماده می کنیم. رضا پهلوی به سرو صورت خود می کوبید که به خانه نروید، در خیابان بمانید که کمک های ترامپ در راه است. شیرین عبادی، عبدالله مهدی، مصطفی هجری، حمید تقوایی و مجاهدین و هر کدام به سهم خود خواستار حمله نظامی شدند. آنها با علم بر نفرت و کینه برحق مردم از جمهوری اسلامی و اینکه سرنگونی این رژیم سالهاست یکی از خواسته های مردم ایران است، سرنگونی رژیم را از طریق حمله نظامی و به هر قیمت تبلیغ می کردند.

فاشیست های کرد فریاد می زدند که با این بمباران، ایران ژاپن خواهد شد، اما ترامپ بعدها اعلام کرد که هدف ما سرنگونی رژیم نیست و بلکه با بمباران زیرساختهای این کشور ایران را به عصر حجر خواهیم برد.

ائتلاف شش جریان ناسیونالیست کرد

کافیست به یک هفته قبل از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران برگردیم تا کل ماجرا را بهتر درک کنیم. شش جریان ناسیونالیست کرد با عجله ائتلافی را اعلام کردند. سپس به دنبال حمله نظامی به ایران، "حزب دمکرات کردستان ایران"، "حزب پاک"، "پژاک"، "خبات"، "کومه له سازمان زحمتکشان رضا کعبی" و باند عبدالله مهدی به همراه سازمان مجاهدین رسماً توافق خود را برای انجام این وظیفه اعلام کردند تا به نام "آزاد کردن کردستان" نقش سرباز پیاده آمریکا و لشکر سناریو سیاه را ایفا کنند. سناریویی که می توانست جامعه ایران و خصوصاً کردستان را به خاک و خون بکشاند. از یک سوی آمریکا و اسرائیل به بهانه "حمله به مراکز نظامی" اقدام به بمباران کنند و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی به بهانه "حمله زمینی دشمن از طریق کردستان"، این منطقه را مورد حمله مضاعف قرار دهد و دستش برای کشتار مردم باز شود. این وسط تنها مردم بی دفاع کردستان قربانی این جنگ ارتجاعی شوند.

کانال ۱۲ اسرائیل در آخرین گزارش خود اعلام کرد که به دنبال افزایش طرح ورود زمینی نیروهای کرد به ایران، این عملیات از سوی ترامپ لغو شد. کانال ۱۲ اسرائیل همچنین فاش کرد که پس از درز اطلاعات مرتبط با عملیات زمینی با مشارکت نیروهای کرد به ایران و در پی آن تقویت نیروهای دفاعی جمهوری اسلامی در شمال غرب کشور، متحدان منطقه ای آمریکا به دونالد ترامپ فشار آوردند تا این طرح را از دستور خارج کند.

در این گزارش تحقیقی که شنبه هشتم فروردین از سوی این کانال منتشر شد آمده: "ایالات متحده و اسرائیل برنامه ریزی کرده بودند نیروهای شبه نظامی

کرد در ابتدای جنگ به ایران حمله کنند، اما افزایش اطلاعات در رسانه ها، لابی گری متحدان و همچنین تردید خود کردها باعث شد واشینگتن این طرح را متوقف کند". علیرغم اینکه "موساد سالها روی طرح مشارکت عملیاتی کردها در براندازی جمهوری اسلامی کار کرده بود و از مدت ها پیش همراه با سازمان سیا در حال مسلح کردن نیروهای کرد بوده است".

بر اساس این گزارش تلویزیونی "دهها هزار نیروی مسلح کرد شامل نیروهایی از هر شش جناح کردهای ایرانی" برنامه داشتند که در روزهای نخست جنگ، تحت پوشش گسترده هوایی آمریکا و اسرائیل از مرز عراق وارد ایران شوند.

پیش از آن نیز حملاتی سنگین علیه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در غرب ایران، از جمله مقام های حکومتی، پایگاه های ارتش، سامانه های موشکی، ایستگاه های پلیس و مراکز بسیج اجرا شده بود تا مسیر حرکت نیروهای کرد را فراهم کنند.

با این اعتراف منابع اسرائیلی و همچنین گزارشات ضد و نقیضی از ارتباط گیری روسای این جریان با کسانی که قبلاً سابقه پیشمرگ و نبرد مسلحانه داشته و اکنون در اروپا زندگی می کنند این واقعیت بیشتر آشکار می شود که سعی شده تا این افراد را در صفوف خود سازماندهی کنند. اکنون بهتر می توان درک کرد که دلیل حضور گسترده افرادی که طی مدت اخیر از اروپا به کردستان عراق مسافرت کرده اند در چه راستایی بوده است.

در همین زمان بود که ترامپ با دولت اقلیم کردستان و شخص مسعود بارزانی و باقل طالبانی تماس گرفت و تلاش کرد که آنها را به مشارکت در این جنگ ترغیب کند که این عمل با واکنش سریع دولت ترکیه روبرو شد. تهدید حکومت اقلیم کردستان از سوی ترکیه و منع کردن بارزانی و طالبانی از هر نوع دخالتی در این رابطه و همچنین افزایش زود هنگام طرح ورود زمینی نیروهای کرد به ایران عملاً این طرح را با شکست مواجه کرد.

شکست این طرح از همان ابتدا، عملاً ائتلاف شش جریان کردستانی را هم دستخوش تلاطم کرد و نشان داد که تمامی ادعاهایشان در "دفاع از مردم کرد" و به قول خودشان "آزاد کردن کردستان"، تنها شعارهایی پوچی برای به انحراف کشاندن اذهان مردم کردستان است. ائتلاف جریان ناسیونالیست کرد که آرزوی تکرار سناریوی عراق و به قدرت رسیدن توسط دولت آمریکا و اسرائیل در نقشه خاورمیانه جدید را داشتند، با شکست این طرح نیز به حاشیه رفت و شکاف در این ائتلاف خیلی سریع در جریان شرکت اعضای این ائتلاف در "کنگره آزادی ایران" در لندن خود را نشان داد.

پژاک که رسماً به کنگره آزادی ایران دعوت شده بود، کنار گذاشته شد. پژاک با انتشار اطلاعیه ای رسماً اعلام کرد که حزب دموکرات کردستان ایران و جریان مهدی در روند حذف پژاک در کنگره آزادی ایران نقش داشته اند. اگر چه روز دوم کنگره موافقت کرد که نماینده پژاک نیز سخنرانی داشته باشد.

همین مورد کوچک نشان می دهد که همپیمانی شش جریان کردستانی علیرغم تمامی شعارهای دهن پرکن، ائتلافیست که توسط موصاد و سیا طرح ریزی شده است و ربطی به خواست و مطالبات مردم نداشته و نوزادانست که از همان ابتدا مرده به دنیا آمده است.

کنگره آزادی ایران لندن

در روزهای ۲۸ و ۲۹ مارس کنگره ای تحت عنوان "کنگره آزادی ایران" با شرکت جریان متفوت اپوزیسیون راست ایرانی در لندن برگزار شد. میدل ایست ای طی گزارشی پرده از دستهای پنهان و ارتباط این کنگره با یک شرکت اسرائیلی برداشت. در این گزارش که زیر عنوان "شرکت روابط عمومی طرفدار اسرائیل در حال تبلیغ گروه اپوزیسیون ایرانی است" بر اساس یک ایمیل لو رفته گزارش می دهد که "کنگره آزادی ایران" (که قبلاً با نام "گفتگو برای ایران" شناخته می شد) چگونه توسط شرکت آمریکایی "Red Banyan" تبلیغ و پروموت می شود. این شرکت با لابی قدرتمند "AIPAC" (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) همکاری نزدیک دارد. در این گزارش به شماری از سپاتسوران، مجریان، سخنرانان و دیگر ارتباطات نیز اشاره شده است.

نکته قابل توجه در این کنگره که برگزار کنندگانش آنرا "گرد آوردن طیف متنوعی از نیروهای مدنی و سیاسی برای گفت و گو در باره مسیر گذار ایران" اعلام کرده اند، اینست که علیرغم یک ماه بمباران بی وقفه مردم و کشته و زخمی شدن هزاران نفر از جمله صدها کودک و آوارگی میلیونها نفر و ویرانی صدها بیمارستان، درمانگاه، مدرسه و دانشگاه و دهها هزار خانه مسکونی و همچنین



رژیم ادامه خواهند داد.

در نهایت باید خاطر نشان کرد که علیرغم سرمایه گذاری های وسیع سازمانهای "موساد" و "سیا" بر این نوع ائتلاف ها، کنگره ها و آلترناتیو سازی از این قبیل، انتصاب احمد چلبی ها و مجد جولانی های در آینده ایران به شکست خواهد انجامید. نه صرفا به دلیل اختلافات درونی طیف های ملون جریانات سهیم در آن و نه به دلیل عدم "همگرایی" آنها، بلکه به دلیل ضدیت این جریانات با خواست و مطالبات مردم و به این دلیل که مردم ایران و خصوصا کردستان با درس گرفتن از تاریخ دخالتهای نظامی آمریکا و اسرائیل در دیگر کشورها و رجوع به گذشته پر از جنایات و ویرانی این دولتها دست رد به سینه تمامی این جریانات وابسته و دولتهای حامیشان خواهد زد و به همین دلیل یک بار دیگر باید گفت که هم "کنگره آزادی ایران" و هم "همپیمانی کردستانی" نوزادانی هستند که مرده به دنیا آمده اند.

اول آوریل ۲۰۲۶



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/

@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

حمله به زیر ساختهای اقتصادی و مراکز نفتی، صنعتی و برق اما در این کنگره و در میان سخنرانان مدعی آزادی و دموکراسی و حقوق بشر، یک کلام در رابطه با جنایاتی که در ایران توسط دولت های آمریکا و اسرائیل رخ می دهد صحبت نکرده اند.

واقعیت امر اینست که تلاش اپوزیسیون پرو غرب ایران با کمک دولتهای آمریکا و اسرائیل برای برگزاری این کنگره رخسار ضد آزادی، ضد انسانی مجریان و شرکت کنندگان و دست های پشت پرده آنرا به نمایش گذاشت. کنگره ای که با تکیه بر تجارب عراق، افغانستان، سوریه با تبلیغ حمله نظامی به ایران و آرزوی عراقیزه کردن این کشور و تکرار آن فجایع از سوی آمریکا و اسرائیل، می خواهد برای آینده ایران تصمیم گیری کند و بر تخت قدرت بنشینند.

سخنرانان با شعارهایی همچون همگرایی و دموکراسی خاک در چشم مردم عادی می پاشند و همچون همپالگی هایشان در عراق و سوریه و افغانستان و ... برای سرزمین سوخته ایران نقشه می کشند.

فارغ از کلی گویی های مورد بحث در کنگره آنچه که حائز اهمیت است تکرار محتوا و ناتوانی در درک مسائل موجود و بنا بر ماهیت آن تلاشی برای حذف خواست و مطالبات مردم در سراسر ایران بود. شرکت کنندگان با تکیه بر بحرانهای جمهوری اسلامی سعی بر موج سواری و سواستفاده از نارضایتی های عمیق اجتماعی در خدمت منافع خود داشتند.

مهمترین شاخص "کنگره آزادی ایران" این بود که نیروهای حاضر در آن، با وجود اشتراک در مخالفت با جمهوری اسلامی، از لحاظ تفکر و سیاست فاقد یک پروژه روشن برای پیشا سرنگونی و چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی بودند.

احمد چلبی ها و مجد جولانی های آینده ایران و دیگر شرکت کنندگان در واقع منتظرند تا آمریکا و اسرائیل جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و قدرت را به شرکت کنندگان در کنگره بسپارند. همانطور که در افغانستان و عراق و لیبی و ... این کار را کردند.

اگر چه تمامی تلاش برگزار کنندگان و سپانسوران کنگره لندن این بود که با وجود طیف رنگین کماتی راست و چپ موجود در آن، تصویری از همگرایی و انسجام ارائه دهد، اما خود شرکت کنندگان حاضر در کنگره بهتر از هر کس این واقعیت را درک کردند که تمامی بیانیه ها، صحبتها و سخنان مطرح شده در این کنگره تنها در همان سالن کنگره باقی خواهد ماند و همچون شورای گذار و نشست جورج تاون، اتوبوس "کنگره آزادی ایران" نیز فاقد موتور متحرکه و پایگاه اجتماعی در داخل ایران است و همانجا جلو سالن کنگره رها خواهد شد.

مردم ایران تجارب زیادی از این دست آلترناتیو سازی را در تمامی این سالها دارند و بهتر از هر کس می دانند که منافع استراتژیک این نیروهای ارتجاعی و دولت فاشیست اسرائیل، نه تنها در راستای خواست و مطالبات مردم ایران نیست بلکه کاملا در تقابل با منافع مردم در کردستان و سراسر ایران و در دشمنی عیان با آن است. بی شک توده های زحمتکش ایران یکبار دیگر دست رد به سینه تمامی این جریانات ارتجاعی خواهند زد.

اگر چه حاکمیت جنایتکار جمهوری اسلامی نیز به بهانه جنگ، شمشیر را علیه مردم از رو بسته است و اکنون همچون مار زخمی، شاخ و شانه می کشد و هر صدای مخالفی را به شدت سرکوب و خفه می کند. اما با توقف این جنگ و بمباران، توده های ستم دیده و طبقه کارگر در سراسر ایران دوباره خود را سازمان خواهند داد و مبارزه خود را با حاکمیت جمهوری اسلامی پیگرانه تر و منسجم تر از پیش، مستقل از ارتجاع جهانی و منطقه ای و نیروی داخلی آنان، بدون هیچ توهمی به قدرتهای جهانی و منطقه ای، برای سرنگونی این

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

جنگ و "کنگره آزادی ایران" در لندن

روزهای شنبه و یکشنبه ۸ و ۹ فروردین ۱۴۰۵ (۲۸ و ۲۹ مارس) جمعیتی در لندن تحت عنوان "کنگره آزادی ایران" برگزار شد. بر اساس گزارشات که از این گردهمایی منتشر شده است، برگزار کنندگان هدف اصلی کنگره را "گرد آوردن طیف متنوعی از نیروهای مدنی و سیاسی برای گفت و گو در باره مسیر گذار ایران" اعلام کرده اند. بر اساس این گزارشات محور مباحثات در روز اول جنسیت و دمکراسی و تبعیض قومی و پیوند تبعیض جنسی و قومی و ساختاری بوده و روز دوم نیز سخنرانان بر تکرار گرای و پرهیز از حذف و تمرکز بر همگرایی و اشتراکات حداقلی در مسیر گذار تأکید کرده اند.

اما و مستقل از دلیل و چگونگی شکل گیری این نشست و اشخاص و مراکز شناخته شده ای که به عنوان لابی اسرائیل پشت این تلاشند و امروز در رسانه ها از جمله "میدل ایست آی" گزارشات آن درج شده است، صف شرکت کنندگان و اهداف اعلام شده "کنگره"، مباحثات و دستورات و بحثهای سخنرانان آن به ما میگوید که این نشست، سازمان دهندگان و برگزار کنندگان آن، کجای تحولات ایران قرار گرفته اند و چه اهدافی را دنبال میکنند.

بیش از یک ماه است مردم ایران زیر بمباران وسیع و همه جانبه دو دولت جنگ طلب آمریکا و اسرائیل هستند. دو دولت جنایتکاری که برای اهداف شنیع خود، با قلداری جنگی را تحمیل کرده اند که اکنون عملا کل خاورمیانه را به آتش کشیده و از خاتمه آن خبری نیست. صدها شهر بزرگ و کوچک ایران بمباران شده اند، هزاران نفر از جمله صدها کودک کشته و میلیونها نفر آواره و بی خانمان شده اند، صدها بیمارستان، درمانگاه، مدرسه و دانشگاه و کارخانه ها، و دهها هزار خانه مسکونی ویران شده است. اکنون دیگر حمله به زیر ساختهای اقتصادی، به مراکز نفتی، صنعتی و برق و حتی مراکز هسته ای علیرغم خطرات ماندگار آن برای مردم ایران و منطقه، بمباران شده است.

روز شنبه ۲۸ مارس همزمان با روز اول برگزاری "کنگره آزادی ایران"، در همان شهر (لندن - انگلستان) یکی از بزرگترین اجتماعات و تظاهرات های مردمی علیه جنگ و حمله به ایران و علیه راست افراطی جنگ طلب، با شرکت حدود یک میلیون نفر برگزار شد. همان روز میلیونها انسان در سراسر جهان باز علیه جنگ و حمله به ایران و برای قطع فوری آن، دست به اعتراض زده اند. در دهها شهر آمریکا و سه هزار خیابان، بالغ بر ۸ میلیون نفر تظاهرات کردند. اما در سالن این "کنگره" و در میان خانمها و آقایان شرکت کننده در آن، که بعنوان "رهبران فردای جامعه ایران" هریک به نام و به شکلی مدال دمکراسی خواهی را به گردن آویزان کرده اند و برای "آینده ایران" و "گذار به دمکراسی" مشغول بحث و فحص و "تمرین دمکراسی" بودند، بحث این جنگ، که آینده زندگی نود میلیون نفر در ایران را تحت تأثیرات تاریخی و تعیین کننده ای قرار داده است، موضوعیت نداشت و حتی به عنوان یکی از مباحث نشست در دستور قرار نگرفت!

دور از واقعیت نیست که دلیل "غیبت" موضوعیت "جنگ" در این نشست را تنها و تنها ننگبیدن آن در "مخبله" هایی یافت که در آنها قرار است این جنگ "به زودی" و با بمب های "بشردوستانه" با سرانجام خوش "آزادی مردم ایران" یعنی همان پروپاگانداهای ترامپ و نتانیاهو، به پایان برسد! مسئله اصلی و محوری این صف، "ایران" پس از "آزادی با این جنگ" است و خلا قدرتی است که منتظر پرشدن توسط آنها با رقبایشان در کلوپ های دیگر سلطنت طلبان، مجاهد و قوم پرستان است!

دور از واقعیت نیست اگر به صراحت اعلام کرد که نشست "کنگره آزادی ایران"، مستقل از داعیه های شرکت کنندگان در آن، جلسه ای مربوط به راست افراطی جنگ طلب و سیاست های آن بود. "اپوزیسیون راست" که

"عقربه" های ساعت های آن با عقربه های ساعت های ترامپ و نتانیاهو "کوک میشود"! تظاهرات های علیه جنگ در لندن و دهها شهر آمریکا و هزاران خیابان کشورهای جهان، قطب مخالف این جمعیت جنگ طلب است که بخشی "خجالتی" و بخشی "وقیح" اهداف سیاسی شان را اعلام میکنند!

همین حقیقت و بعلاوه نامربوطی این نشست به معضلات همه جانبه مردم ایران، تحت بمبارانها و ویرانی و ترس، مستقل از درافشانی سخنرانان و شرکت کنندگان و بر گزار کنندگان این نشست و کوبیدن آنها به طبل "همگرایی" برای رسیدن به "دمکراسی"، برای مهر باطل زدن به این کنگره و صاحبان آن کافی است.

شرکت کنندگان این نمایش که صفی از اپوزیسیون بورژوازی ایران از راست تا چپ، از جمهوری خواه، مشروطه طلب، گروههای مختلف قومی و ناسیونالیستی، عناصری از اصلاح طلبان حکومتی از قدرت رانده شده تا جناح چپ آنها ... را شامل میشوند، همگی منتظر چیدن میوه این جنگ خانمان برانداز بعد از ویرانی ایران اند. بی دلیل نیست که زمانی که مردم جهان علیه این جنگ و بمباران دست به اعتراض زده اند، شرکت کنندگان این کنگره بدون اینکه به خود جنگ و عاملین آن بپردازند حتی به خود زحمت نداده اند، برای "مردم داری" و "ظاهرسازی" هم که شده است خواهان پایان این توحش افسارگسیخته شوند. چرا که جنبش علیه جنگ، سد راه پیشروی آنها است!

اما و مستقل از هیاهوی این صف، مردم آزادیخواه ایران علیرغم جنگی که به آنها تحمیل شده است، علیرغم روزهای تلخ و سیاهی که زیر بمباران و جنگ سپری میکنند، دوستان و دشمنان خود را می شناسند. دوستان صدها میلیونی خود در دفاع از "ماندگاری ایران"، در جنبش ضدجنگ، در آمریکا و اروپا و آسیا و سراسر جهان، را متحد، در کنار خود و قدرت خود می بینند و این بالماسکه های "الترناتیو" سازی ها را در مقابل خود و جامعه شان!

مردم آزادیخواه ایران، دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری، زنان و نسل جوان آزادیخواه در ایران، میلیونها انسان محروم و مخالف جمهوری اسلامی، این روزها جایگاه احزاب و شخصیتهای سیاسی و صف بندیهایی که شکل گرفته است را نه از دریچه ادعاها و شعارهای پرزرق و برق آنها، بلکه از دل واقعیات تلخ این دوره و جنایات و جنگی نگاه میکنند که به آنها، به مردم منطقه و جهان تحمیل شده است.

امروز این جنگ جنایتکارانه زندگی مردم ایران را به تباهی کشانده است و بزرگترین لطمه را به جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنان علیه جمهوری اسلامی زده است. اما صدای عدالتخواهی این مردم خاموش نمیشود. متحدین میلیونی این مردم، هم اکنون در سراسر جهان در میدان هستند! در دل همین شرایط صدای حق طلبی این جنبش، صدای دفاع آنان از برابری و عدالت و علیه جمهوری اسلامی، خواست فوری این مردم برای پایان فوری و بی قید و شرط این جنگ، در سراسر جهان به گوش میرسد.

امروز بر خلاف شرکت کنندگان "کنگره آزادی ایران" و مدافعان جنگ و حمله نظامی و هواداران آمریکا و اسرائیل، صدا و خواست مردم ایران توسط دهها میلیون از بشریت متمدن در غرب، در آمریکا و انگلستان و دهها کشور دیگر، علیه جنگ و جنگ طلبان همه جا زبانه میکشد.

مردم آزادیخواه ایران چشم امید به این جنبش بسته اند و این مردم را متحد و حامی خود میدانند. بی تردید جایگاه اپوزیسیون راست و دشمنی و قضاوت آنها علیه مردم آزادیخواه در ایران و دفاع آنان از حمله و بمباران ایران، تبدیل آنان به بلندگوی ماشین جنگی آمریکا و اسرائیل و شراکت مستقیم آنها در این جنگ علیه مردم ایران، چون لکه ننگی برای همیشه بر پیشانی آنها خواهد ماند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ فروردین ۱۴۰۵ - ۳۱ مارس ۲۰۲۶

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

بیانیه شخصیت‌های سیاسی، کارگری و اجتماعی

قربانی شدن فوری هزاران هزار نفر و مرگ تدریجی میلیون‌ها انسان در ایران و منطقه را بیش از پیش افزایش داده است.

این جنگ برخلاف ادعای عاملین و حامیان آن، برای کمک به مردم ایران نیست. این حملات و وعده حملات بیشتر نه برای فراهم کردن مسیر آزادی مردم ایران است و نه در دفاع از جدال مردم ایران برای خلاص شدن از جمهوری اسلامی! این جنگی علیه مردم و تلاش بیش از چهل سال آنان برای دستیابی به آزادی، رفاه و امنیت است.

پیروزی هر یک از طرفین جنگ، پیروزی مردم ایران که پیش از این جنگ، برای ساختن آینده انسانی و آزاد خود دست به کار شده بودند، نیست. مردم ایران و مبارزه شان برای آزادی، اولین قربانیان و بازندگان این جنگ هستند.

تأثیرات مخرب این جنگ بر زندگی و مقتضیات جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، امروز بیش از هر زمانی غیر قابل انکار است.

برای دفاع از زندگی و امنیت مردم در ایران، برای دفاع از دستاوردهای مبارزاتی شان و حمایت از تلاش های نسل های پی در پی آنها، برای آزادی و یک زندگی انسانی، این جنگ باید فوری و بدون قید و شرط متوقف شود.

ما این خواست را حداقل خواستی میدانیم که میتواند به قدرت همگانی جهانیان و مردم در ایران، به کرسی نشاندن شود و نه تنها خسارات را به حداقل برساند، که راه پیشروی مردم در ایران برای رسیدن به آرمانهای آزادیخواهانه شان را فراهم کند.

ما از همه اتحادیه های کارگری، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان و مردم متمدن جهان میخواهیم برای توقف فوری و بی قید و شرط جنگ، طرفین جنگ را تحت فشار بگذارند.

آوریل ۲۰۲۶

امضا کنندگان:

- ابراهیم آوخ (از سازمان راه کارگر)
- ابراهیم علیزاده (دبیر اول کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)
- ابو وطن - عبدل کریم عبدل سادا (رئیس فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق، دبیر اتحادیه نفت، گاز و پتروشیمی عراق)
- اسد گلچینی (فعال کمونیست)
- اسعد رستمی (دبیر کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران)
- آذر مدرسی (دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست- خطر رسمی)
- اردشیر مهرداد (فعال سیاسی چپ)
- آرش کمانگر (از سازمان راه کارگر)
- امان کفا (سخنگوی "دیده بان آزادی و انقلاب ایران")
- انور حسین بازگر (شاعر، نویسنده و روزنامه نگار)

- بهار مونزیر (دبیر سازمان مردمی برای پیشرفت- کردستان عراق)
- پروانه بکاه (نماینده منتخب پارلمان محلی در شهر هانوفر آلمان)
- ثریا شهابی (موسس "دیده بان آزادی و انقلاب ایران")
- جان مک دانل (نماینده پارلمان بریتانیا)
- جان ملونی (معاون دبیر اول اتحادیه خدمات عمومی و تجاری- بریتانیا)
- حسن حسام (کادر رهبری سازمان راه کارگر)
- حسن جمعه الاسدی (دبیر فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری نفت، گاز و پتروشیمی عراق)
- حسین دولت آبادی (رمان نویس)
- خالد حاج محمدی (دبیر کمیته رهبری حزب حکمتیست-خطر رسمی)
- دشتی جمال (دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان عراقی)
- دیانا نامی (بنیانگذار سازمان حقوق زنان ایرانی و کرد در بریتانیا)
- راجر سیلورمن (از موسسین شبکه جهانی کارگری-بریتانیا)
- رضا مقدم (رهبری اتحاد سوسیالیستی کارگری)
- ریوار احمد (عضو رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان)
- ریوار عارف (عضو رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان)
- سمیر عادل (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق)
- عثمان حاجی مارف (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری کردستان)
- فریدون ناظری (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران)
- فواد قراحی (نویسنده)
- محمد علوش (دبیر "فدراسیون مبارزه کارگران فلسطین")
- نادیا محمود (دبیر "اتحاد زنان-عراق"- امان)
- نسرين پرواز (نویسنده)



صدای آزادی، صدای برابری

سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوایی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

برنامه یک دنیای بهتر